



## هنر در خدمت محیط زیست

(هنر محیطی)

### مقدمه

یکی از جنبه های تمایز و تکامل انسان از دیگر جانداران بواسطه قدرت درک هنری است. از نقاشی های درون غار دوره پارینه سنگی گرفته تا آخرین آثار آوانگارد پست مدرنیسم، هیچ دوره ای در هنر نیست که دامنه فعالیت های انسان هدفمند را دربرنگیرد. از روزگار باستان تا عصر حاضر بیشتر مباحثات

مربوط به هنر پیرامون رابطه انسان و طبیعت به عنوان موضوع اصلی کار هنرمند بوده است زیرا "طبیعت آفریده هنر می باشد." منظور از طبیعت چیست؟ سیستم تکامل یافته و پیچیده ای که از نظم و هارمونی خاصی برخوردار است که انسان در اوج آن قرار گرفته و همین طبیعت در چنگ و دندان سرخ می شود و جذابیتش را از دست می دهد. زیبایی و عظمت هنر در این است که می تواند از تمام اشکال منفرد فراتر رود؛ هنرمند طبیعت را به کمک خود طبیعت و نقص آن را به کمک کمال طبیعت تصحیح می کند. چشم هنرمند می تواند کاستی ها، زوائد، کجوارگی ها و آلودگی های طبیعت را از شکل اصلی آن بازشناسد تا کمال مطلوبی از هماهنگی را بیافریند.

پرواضح است که طبیعت، تمام عناصری را که به صورت رنگ و شکل در کمپوزسیون یک اثر هنری به کار می آید در خود دارد اما هنرمند برای برگزیدن و برجیدن این عناصر و گروه بندی آنها در کنار علم به دنیا می آید و حاصل کارش هماهنگی پرشکوهی از آشفستگی هاست. پس معیار هنرمند حاضر حقیقت است نه زیبایی. زیبایی جزئی از یک اثر هنری است. در واقع یک نسبت متعادل بین دو عنصر زیبایی و فلسفی وجود دارد که کمیت و کیفیت آن را شخصیت و دیدگاه هنرمند تعیین می کند. زیبایی تنها می تواند چاشنی یک اثر هنری باشد نه تمام کننده آن.

هنر یکی از لطیف ترین و زیباترین بیانی است که در قالب آن می توان احساسات ، پیامها و هشدارها را به هممنوع خود منتقل کند . تولستوی در مورد هنر اینگونه اظهار می دارد:

" کار هنر این است ؛ آنچه را که ممکن است در قالب استدلال و تعقل نامفهوم و دور از دسترس باشد ، مفهوم می سازد و در دسترس مردم قرار می دهد ، معمولا وقتی انسان تاثیر را که حقیقتا هنری است ، می گیرد ، تصور می کند این حالت را قبلا در خود احساس کرده اما از بیان آن عاجز بوده است."

## هنر محیطی

هنر محیطی Environmental Art از دو واژه محیط و هنر تشکیل شده است. محیط به معنای احاطه کننده ، پیرامون و دربرگیرنده جایی است که موجودات زنده در آن زیست می کنند . تفاوت لغوی " محیط زیست " و " اکولوژی " بیشتر به تفاوت محیط و فضا برمی گردد. در تعریف لغوی واژه Ecological ، مشخصا به اکوسیستمها و چرخه های زیست محیطی و ارتباط متقابل موجودات زنده در محیط توجه می شود ولی در تعریف لغوی واژه Environmental ، بیشتر، هر نوع شرایط و فضای خارجی را مد نظر داریم. پس این واژه، عمومی تر بوده و دامنه ای از فضا تا بوم سازگانها را دربرمی گیرد. هنر محیطی اغلب شامل دغدغه های اکولوژیکال (بوم شناختی) و حفظ محیط زیست است.

جنبش هنری " هنر محیطی " در اواخر ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ آغاز شد ، هرچند که گرایشها و اصطلاحات جدید همچون هنر اکوآرت یا هنر بوم شناختی (Eco Art) ، هنر ترمیمی (Restoration Art) ، هنر اکوونشن (Ecovention Art) و هنر زمین (Land Art) بیشتر مربوط به دهه ۱۹۹۰ به این سو هستند.

هنر محیطی، هنری ترکیبی است که طی آن هنرمند فضایی سه بعدی را که از پیش برنامه ریزی شده یا به صورت مکانیکی متحرک شده خلق می کند به نحوی که بیننده را در برگیرد و وی را در مجموعه متنوعی از محرک های حسی قرار دهد. مانند محرک بصری، شنیداری، حرکتی، بساواپی و گاه بویایی (لغت نامه آکسفورد). چند دهه قبل هنر محیطی اینگونه تعریف می شد؛ ایجاد یک فضای سه بعدی که مخاطب بتواند در آن راه برود. (روئین پاکباز، دایرت المعارف هنر)

از خصوصیات بارز هنر محیطی گذرا بودن و تغییر شکل آن است چراکه در مقوله هنر محیطی، هنر و محیط پیرامون درهم تنیده شده اند و تغییر و تکامل در ذات طبیعت نهفته است .

هنر محیطی به تفسیر طبیعت و فرآیندهای آن می پردازد و مشکلات زیست محیطی را به ما نشان داده و در مورد آنها به ما هشدار می دهد در یک نگاه می توان گفت هنر محیطی هنری است که می تواند به بهبود روابط ما با جهان طبیعت کمک کند.

عناصر بصری هنر محیطی گرفته شده از بطن طبیعت می باشد و فاکتورهای اصلی آن از اجزای طبیعت تشکیل شده است. هنر محیطی به شدت متأثر از فرهنگ بومی و محلی می باشد و آئین ها و سنن در آن به وضوح دیده می شود.

اغلب هنرمندان هنر محیطی با استفاده از عناصر یا اشیای موجود در طبیعت یا در محیطهای غیرمتعارف، هنرشان را ارایه می دهند؛ بنابراین چگونگی محیط پیرامون اثر و مواد و مصالح موجود در محیط، در کیفیت و چگونگی اثر تاثیر دارند.

اثر هنری در هنر محیطی در فضایی کامل و سه بعدی به نمایش در می آید و به صورت ابژه<sup>۱</sup> آویخته به دیوار محدود نمی شود. هنر محیطی بیش از هر چیز بازگشت به طبیعت را نشان می دهد، هنرمندان محیطی تنها به نمایش طبیعت بسنده نمی کنند، بلکه زیستن، تجربه و کنش متقابل با طبیعت و زمین را برگزیده اند که این بینش جایگزین ملاحظات سنتی هنر شده است. وجه مشترک هنرمندان محیطی، نه موضوع، مواد خام یا روش های کار، بلکه علاقه آنها و تعهدشان به دیدگاهی گسترده تر از آفرینش هنری و همانا کشف خویشتن و مبدا و سرچشمه وجودی هر انسان که برخاسته از دل طبیعت و جهان آفرینش است، می باشد. سام باور (Sam Bower) مدیر موزه سبز امریکا معتقد است که "هنر محیطی" بیشتر، به جنبه هنری کارها می پردازد تا جنبه محیط شناختی اما دغدغه اصلی آن، رویکرد ارتباط انسان و طبیعت بوده و استفاده از مواد طبیعی را پاس می دارد (greenmuseum.org).

در عصر حاضر به دلیل وجود بحران های زیست محیطی بیشمار، هنرمندان را برآن داشته تا بیشتر به جنبه های زیست محیطی در مکتب هنر محیطی توجه داشته تا وجوه زیبایی شناسی آن.

در هنر محیطی برخی از هنرمندان بیش از آنکه بخواهند هنر خود را به تصویر بکشند، سعی می کنند که به محیط زیست در همه ابعادش هویت بدهند. هنرمند با این روش به کمک محیط زیست می رود و ضمن توجه دادن مردم به یک اثر هنری، راه های حفظ و بقای محیط زیست را نیز به تصویر می کشد.

---

- object (در لاتین: Objcere به معنی خود را در برابر چیزی گذاشتن)، چیز، موضوع. ابژه، در برابر سوژه یا ذهن، آن است که درباره اش گفته می شود، بر خلاف سوژه یا ذهن که خود گوینده است. ابژه می تواند فکر شود، ولی سوژه فکر می کند.

هنر محیطی چندان در ایران پرسابقه نیست، اما طرفداران زیادی دارد. این نوع گرایش در هنرهای بصری موجب شده است که برخی از هنرمندان ایران، به شکل غیرمستقیم اعتراض خود را به نابودی محیطزیست به تصویر درآورند. از هنرمندان برجسته هنر محیطی و زمینی در ایران می توان به آثار احمد نادعلیان اشاره کرد. او بیشتر به خاطر کنده‌نگاری بر روی سنگ‌های رودخانه شناخته شده است. او بیشتر در طبیعت زندگی می‌کند و در عرصه بین‌المللی به اجرای هنر محیطی می‌پردازد. آثار او در بیش از ۴۰ کشور دنیا پراکنده اند.

"آن زمان وقتی احمد نادعلیان روی سنگ‌ها، ماهی حکاکی می‌کرد و آنها را کنار رودخانه‌ها یا در جریان آب‌ها به حال خود می‌گذاشت، خیلی‌ها منتظر روزی بودند که این هنرمند، خودش خسته شود و به آتلیه برگردد. او کار خود را از کوه‌ها و رودهای پلور آغاز کرد و هر چه گذشت، توانست آن‌قدر راه خود را برود تا به ساحل سرخ جزیره هرمز برسد. در جایی خواندم که ماهی‌های "نادعلیان" در خیلی از رودخانه‌های دنیا رها شده‌اند و زندگی می‌کنند. شاید ماهی‌های احمد نادعلیان و هنرمندان محیطی کشور بتوانند هویت قائمشهر و تمام رودخانه‌های مازندران را به ما بازگردانند. شاید ماهی‌های نادعلیان، ماهی ما شوند و برای ما بمانند، شاید هنرمندان و دوستان مدافع محیط زیست به قصد یاری ما، برای رودخانه سیاهرود قائمشهر ماهی بیاورند!" (سارا طالبی‌زاده)



احمد نادعلیان



فرشته عالمشاه



فرشته زمانی